

بازار مواد مخدر در ایران (قیمت، مصرف و تأثیرگذاری تولید خارجی)

فریبوز رئیس‌دانا

جنبه‌های اقتصادی اعتیاد تنها شامل رفتار مصرف‌کننده، انگیزه‌ها و سازوکارهای تولید، حمل و نقل و توزیع و نقش قیمت و درآمد نمی‌شود، بلکه به‌طور عمده باید با ساختار اقتصاد سیاسی سروکار پیدا کند. در آغاز، مقاله‌های ذوقی و عمومی رگه بررسی‌های اثبات‌گرایانهٔ تقلیل‌گرا و متکی به الگوهای فرضی نوکلاسیکی به‌طور محدودی منتشر می‌شدند. در کنار آن به‌طور محدودتری اقتصاددانان رادیکال جنبه‌های اقتصاد سیاسی و اقتصاد اجتماعی اعتیاد را به‌گونه‌ای منتقدانه به بحث می‌گذاشتند. امروز هم انواع مطالعات و تحقیقات اقتصادی متعارف انتقادی و سیستمی دربارهٔ مواد مخدر در جریان است. این مقاله با روشی سیستمی به ساختارهای اقتصاد سیاسی و اقتصاد اجتماعی مربوط به کلیت قاچاق و اعتیاد می‌پردازد و بر آن است که انگیزه‌های نیرومندی برای تولید و مصرف وجود دارد. این انگیزه‌ها، گذشته از مراحل فردی و استثنایی، از همان‌جا ناشی می‌شوند که خود به دوام ساختار ناپهنجار اجتماعی و تشویق به مصرف کمک می‌کند. روند افزایش مصرف از نابسامانی‌هایی مایه می‌گیرد که مربوط به کارکردهای نابسامان اقتصاد سیاسی‌اند از جمله فقر و بیکاری و محرومیت و وجود شبکهٔ قدرتمند قاچاق که با مدیریت‌های سیاسی نیز ارتباط جدی دارند. اما راه‌حل‌های اساسی در گرو حذف بازدارندهٔ اصلی و دگرگونی ساختارهای پدیدآورندهٔ این آسیب هستند. با این وصف، با اتخاذ روش‌های مؤثر ریشه‌ای، به رغم دوام ساختارهای اساسی زایندهٔ ناپهنجاری‌ها می‌توان مهار را به‌طور جدی و مؤثر بالا برد و هزینه‌های اجتماعی آن را به مقدار اساسی کاهش داد.

۱. درآمد

بررسی‌های اقتصادی در زمینه مواد مخدر، شامل مصرف، تولید، جابه‌جایی و فروش، بخش مهمی از پدیده انحراف یا آسیب اجتماعی اعتیاد است. روش‌شناسی این مقاله (که در این پژوهش که بخشی از پژوهش گسترده ۲/۵ ساله درباره اقتصاد مواد مخدر است به کار رفته است) روش‌شناسی سیستمی است. بنا بر این روش، آسیب اعتیاد به دلیل خصلت مجرمانه قاچاق مواد مخدر حتماً باید در ابعاد چندجانبه بررسی شود. به عبارت دیگر، موارد مربوط به اقتصاد سیاسی، روابط متعارف اقتصادی، آسیب‌شناسی اجتماعی، روابط اجتماعی، مسائل فرهنگی، سابقه استفاده از مواد مخدر، مسائل حقوقی و انتظامی و شرایط جغرافیایی می‌باید در یک کلیت طراحی شده از روی واقعیت مورد ارزیابی قرار گیرند تا روابط متقابلشان کشف شود و به این ترتیب ساز و کارهای واقعی اعتیاد و قاچاق را به دست دهند.

با این وصف، وقتی بررسی‌های نظام‌دار صورت بگیرند، برخی از جنبه‌ها اهمیت خود را، برای آن‌که به‌طور مجزا و دقیق مورد ارزیابی قرار گیرند، نشان می‌دهند. ممکن است این بررسی‌ها به مسائل تربیتی یا مسائل روان‌شناختی (شامل روان‌نژندی و روان‌پریشی) بپردازند. ممکن است برخی نارسایی‌های اجتماعی، مثلاً نبود خدمات رفاهی و تفریحی جایگزین، ارزیابی شود. ممکن است رفتارهای مجرمانه از حیث جرم‌شناختی و علایم تشخیص و دستگیری مجرم اهمیت بیابد. نیز ممکن است شرایط اقتصادی خاصی، مانند قیمت‌ها، یا موقعیت اقتصادی افراد که به اعتیاد گرایش می‌یابند، طرف توجه باشد. آثار و بیشتر موارد، به‌ویژه موارد اجتماعی و اقتصادی، می‌باید شرایط اساسی نظام اجتماعی-اقتصادی شامل طبقات، ساختار قدرت، توزیع درآمد، محرومیت‌ها، نیازها، تحولات تاریخی جامعه و جز آن به مثابه بستر بررسی فراخوانده شوند.

هدف و موضوع پژوهش حاضر نشان دادن جنبه‌هایی مهم اما محدود از اقتصاد مواد مخدر است که به خاطر آن‌ها تولید و قاچاق مواد مخدر (عرضه) و مصرف و اعتیاد (تقاضا) این چنین سنگین و ویرانگر می‌مانند و رو به رشد می‌گذارند.

جنبه‌های مورد بحث عبارت‌اند از:

- نقش فقر، بیکاری و تبعیض در عرضه و تقاضا،
- ساز و کار اقتصادی قاچاق و توزیع،
- شرایط اجتماعی-اقتصادی برای ادامه اعتیاد،
- ارزش افزوده و انگیزه‌های قاچاق و رابطه آن با ساختارهای اقتصاد سیاسی تغییرات قیمت و تأثیر آن بر تقاضا.

یادآوری می‌شود که نظریه‌های نوکلاسیکی و مارژینالیستی مصرف و تولید مواد مخدر را منحصرأ با قیمت (و با فرض ثابت گرفتن سایر عوامل) مرتبط می‌دانند. این نظریه‌ها برآن‌اند که برآیند نیروهای عرضه و تقاضا قیمت تعادلی و میزان مصرف را تعیین می‌کنند. انگیزه سود (با توجه به هزینه و مخاطره) انگیزه لذت‌جویی (با توجه به قدرت خرید مصرف‌کننده) قرار می‌گیرد و شماری از کسانی را که داوطلب فعالیت اقتصادی قاچاق و مصرف هستند به کار وامی‌دارند و قیمت و مقدار مصرف و تولید را مشخص می‌کنند. این‌گونه نظریه‌پردازی، به‌طور کلی سطحی و خیالی است و چیزی جز توضیح واضح‌تر نیست. این نظریه‌ها کار را در همان جایی تمام‌شده فرض می‌کنند که باید آغاز کار بررسی باشند و مسائلی را (مانند میل به مصرف و واکنش به قیمت) بدیهی می‌گیرند که خود نیاز به پژوهش دارند.

این بررسی عمدتاً در حوزه اقتصاد سیاسی قرار دارد و با نگرش سیستمی انجام می‌شود، به نحوی که جنبه‌هایی چون کمبودها، محرومیت‌ها، تعارض‌های اجتماعی، فقر، بیکاری، ناگزیری تولید در افغانستان و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی گرایش به مواد مخدر را اجزای یک سیستم عملکرد آسیب‌رسان واحد ارزیابی می‌کند. در این بررسی، ضمن تحلیل سیستم، کمیت‌ها و آمارها چونان برآوردها و برآیندهای این سیستم مورد توجه خاص قرار می‌گیرند. این پژوهش قصد دارد راه‌های ریشه‌ای درمان را - البته آن‌گونه که در مقابل واقعیت‌های موجود به قدر کافی کاربردی باشند - نشان بدهد. روش‌های کاربردی، تطبیقی و اقتصادسنجی در این پژوهش به کار می‌روند.

فرضیه یا پرسش اساسی پژوهش این است که کنترل‌ها در ساختارهای اقتصادی به عنوان یک اقتصاد مردم‌سالار، عادلانه و روبه‌رشد و انتقال منابع به سمت فعالیت‌های رقیب مواد مخدر و نیز جایگزین کردن تولید و بالأخره دستکاری در متغیرهای اساسی اقتصادی می‌تواند روش‌های اساسی و مناسب برای کنترل مؤثر مواد مخدر باشند و درک روش‌های پیشگیری و درمان و نظارت‌های قضایی و انتظامی به مثابه روش‌های محوری به کار بروند.

۲. شماری از برآوردهای آماری

شمار معتادان ایران در سال ۱۳۷۹ به ترتیب زیر برآورد می‌شود (رئیس‌دانا، ۱۳۷۹):

الف) معتادان اصلی

تریاک (شیره و تریاک) ۸۰۰,۰۰۰ نفر

شیره سوخته ۱۰۰,۰۰۰ نفر
 هروئین و مرفین ۲۵۰,۰۰۰ نفر
ب) تفنی و تصادفی
 تریاک (یک هفتم آن مصرفکنندگان تصادفی اند) ۷۰۰,۰۰۰ نفر
 شیره ۷۰,۰۰۰ نفر (۴۰٪ آن مصرفکنندگان تصادفی اند)
 هروئین و مرفین ۱۱۰,۰۰۰ نفر (۱۰٪ آن مصرفکنندگان تصادفی اند)
ج) معتادان غیر قابل شمارش (شامل معتادان پنهان، تفنی و تصادفی) جمعاً حدود ۵۰۰,۰۰۰ نفر.

با توجه به این که این آمار متعلق به سال ۱۳۷۹ است و به احتمال ۶۵٪ معتادان تفنی و به احتمال ۳۰٪ معتادان تصادفی در معرض اعتیاد دائمی بوده اند، بنابراین می توانیم بپذیریم که در آغاز سال ۱۳۸۱ شمار معتادان کشور با احتساب ۵۰۰,۰۰۰ نفر معتاد پنهان (و این که در حدود ۲۰٪ آنان معتاد به هروئین و مرفین بوده اند) به شرح جدول شماره ۱ است:

جدول شماره ۱

شمار معتادان برحسب نوع ماده مخدر مصرفی در آغاز سال ۱۳۸۱ در ایران

شمار (نفر)	نوع اعتیاد
	۱. اصلی
۱,۲۲۰,۰۰۰	تریاک و شیره تریاک
۱۴۰,۰۰۰	شیره سوخته
۳۱۸,۰۰۰	هروئین و مرفین
	۲. تفنی
۷۰۰,۰۰۰	تریاک و شیره تریاک
۷۵,۰۰۰	شیره سوخته
۱۲۰,۰۰۰	هروئین و مرفین
	۳. ناشناخته (تفنی و اصلی)
۳۵۵,۰۰۰	تریاک و شیره تریاک
۴۵,۰۰۰	شیره سوخته
۱۰۰,۰۰۰	هروئین و مرفین

بنابراین، با فرض آن که نیمی از ناشناخته ها معتاد اصلی هستند (یک فرض محافظه کارانه) درمی یابیم که در حدود ۱/۸ میلیون نفر معتاد قطعی و قابل شناخت و در حدود ۳۰۰ هزار

نفر معتاد ناشناخته در کشور وجود دارد. به این ترتیب، در آغاز سال ۱۳۸۱ در حدود ۳/۲۵٪ از جمعیت کشور معتاد بوده‌اند. در حدود ۱,۱۲۰,۰۰۰ نفر یا ۱/۷٪ از جمعیت نیز با احتمال ۳۰ تا ۶۵٪ در معرض اعتیاد در فاصله ۲ سال آینده قرار دارند.

میانگین مصرف معتادان کشور با توجه به این‌که مصرف خوراکی، شبه قلبیانی و سیخ و سنگ به جای مصرف با وافور و نگاری قرار می‌گیرد تا جبران کمبود درآمد و گرانی نسبی را (گرچه گران‌شدن مواد افیونی جای بحث دارد که به آن خواهیم پرداخت) می‌گیرد برای معتادان اصلی به شرح زیر است:

تریاک و شیرۀ تریاک = ۲/۵ گرم مصرف روزانه

شیره = ۰/۶۵ گرم مصرف روزانه

هروئین = ۳۰ سانت مصرف روزانه = ۰/۳ گرم (عمدتاً به صورت روزانه که به تدریج تزریق جای آن را می‌گیرد و در میزان مصرف صرفه‌جویی می‌کند).

معادل‌های مصرف هروئین و شیرۀ سوخته به شرح زیر است:

هر گرم هروئین = ۱۰ گرم تریاک

هر گرم شیرۀ سوخته = ۵ گرم تریاک

بنابراین، مصرف تریاک، شیره و هروئین عبارت خواهد شد از آنچه در جدول شماره ۲ (تدوین شده بر اساس جدول شماره ۱) آمده است.

جدول شماره ۲

برآورد میزان مصرف انواع مواد مخدر بر حسب عادات مصرف

نوع مصرف		تریاک		شیره		هروئین و مرفین	
		متوسط روزانه	کل در سال	متوسط روزانه	کل در سال	متوسط روانه	کل در سال
اصلی		۲/۵	۱۱۱۳/۴	۰/۶۵	۳۳/۲	۰/۳۰	۳۴/۸
تفتنی و تصادفی		۰/۳۳	۸۴/۳	۰/۰۸۵	۲/۳	۰/۰۵	۲/۲
ناشناخته		۱/۴	۱۸۱/۴	۰/۳۷	۶/۱	۰/۱۸	۶/۶
جمع		—	۱۳۸۰	—	۴۱/۶	—	۴۳/۶
جمع تریاک		—	۱۳۸۰	—	۲۰۸	—	۴۳۶
مصرف کل معادل تریاک = ۲۰۲۴ تن							

درجه خلوص تریاک و شیره ۶۵٪ و درجه خلوص هروئین ۲۲٪ برآورد شده است (ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۷۸). خواننده می‌تواند دریابد که به این ترتیب با حذف میزان مصرف شیره (که از سوخته تریاک به دست می‌آید و نباید دوباره شماری شود) مصرف تریاک صد درصد خالص که به ایران می‌آید عبارت است از:

$$۹۹۳ \text{ تن} = ۸۹۷ + ۹۶ = ۰/۲۲ \times ۴۳۶ + ۰/۶۵ \times ۱۳۸۰$$

جدول شماره ۳

توزیع تریاک تولید شده در افغانستان و پاکستان در سال ۱۹۹۹ (برحسب درجه خلوص ۱۰۰٪ و معادل تریاک)

ردیف	شرح	تن	درصد
۱	تولید تریاک در افغانستان و پاکستان (فقط ۹ تن متعلق به پاکستان)	۴۵۷۸	۱۰۰
۲	مصرف داخلی تریاک در ایران (بدون توجه به ناشناخته‌ها)	۵۲۸	۱۱/۵
۳	مصرف داخلی تریاک در افغانستان و پاکستان (۹۰٪ پاکستان)	۲۷۰	۶/۰
۴	مصرف داخلی هروئین در پاکستان و افغانستان	۶۲۵	۱۳/۷
۵	مصرف داخلی هروئین در ایران (بدون توجه به ناشناخته‌ها)	۵۸	۱/۳
۶	جمع مصرف	۱۲۸۱	۲۲/۲
۷	مازاد منطقه = جمع مصرف (۶) - تولید تریاک در افغانستان و پاکستان (۱)	۳۰۹۳	۶۷/۶
۸	توقیف شده در ایران	۲۴۵	۹/۷
۹	توقیف شده در پاکستان (تقریبی)	۶۰۰	۱۳/۱
۱۰	کل توقیف شده	۱۰۴۷	۲۲/۸
۱۱	صادرات منطقه = کل توقیف شده (۱۰) - مازاد منطقه (۷)	۲۰۴۸	۴۴/۸
۱۲	توقیف شده در خارج از منطقه (تقریبی)	۳۰۰	۶/۰
۱۳	صادرات از ایران = صادرات منطقه (۱۱) - توقیف در خارج از منطقه (۱۲)	۱۷۴۸	۲۸
۱۴	جمع کل صادرات از ایران (با فرض ۸۰٪ عبوری از ایران)	۱۶۳۸	۳۵/۸
۱۵	جمع کل صادرات قطعی (با کسر ۲۵٪ اتبارشدگی در ایران)	۱۲۳۰	۲۶/۹

در سال ۱۹۹۹، که یکی از پرتولیدترین سال‌ها در افغانستان بوده است، تولید کل جهان به ۵۷۹۵ تن رسید که از آن سال ۴۵۶۵ تن به افغانستان اختصاص داشت (۹ تن به پاکستان، ۱۶۲ تن به آمریکای لاتین و ۱۰۲۹ تن به سایر نقاط آسیا و ۸۹۵ تن در میانمار) (UNDCP, 2000). تولید در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ ابتدا کم و سپس به مقدار زیاد افت کرد. برای سال ۲۰۰۱

تولید به میزان نیمی از تولید سال ۱۹۹۹ در افغانستان برآورد می‌شود. بی‌تردید تولید در سال ۲۰۰۲ افزایش یافته است (روزنامه آزاد، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۱). حکومت کرزای که پس از واقعه ۱۱ سپتامبر به روی کار آمد مایل نیست از آغاز، موجبات نارضایتی ۲۰۰ هزار خانوار متکی به کشت تریاک را فراهم آورد. در افغانستان هر هکتار زمین زیر کشت خشخاش در حدود ۹/۵ نفر را شاغل می‌کند، ولی زمین زیر کشت به بالای ۹۰ هزار هکتار در سال ۱۹۹۹ رسید و قریب یک میلیون نفر در این رشته کار می‌کردند.

جدول شماره ۳ نحوه توزیع تریاک تولید شده در منطقه آسیای جنوب غربی (سال ۱۹۹۹) را نشان می‌دهد (رئیس دانا، همان: ۶۸). این جدول پس از کسر توقیفی‌ها و مصرف در ایران و پاکستان برآورد خالص صادرات را نشان می‌دهد. درمی‌یابیم که در سال ۱۹۹۹ در حدود ۱۶۳۸ تن معادل تریاک از ایران به مقصد اروپا عبور کرده است.

۳. محاسبه ارزش افزوده (سال ۱۳۷۸)

۱-۳. قیمت متوسط خیابانی مواد ناخالص در ایران = ۶/۵۰ میلیون ریال / کیلوگرم

قیمت متوسط بیابانی مواد در مرزهای شرق = ۱/۶۷ میلیون ریال / کیلوگرم

تفاوت قیمت = ۴/۸۳ میلیون ریال

اگر کل مصرف مواد ناخالص (معادل تریاک) برابر ۱۱۰۴ تن در سال ۱۳۷۸ را (بدون احتساب معتادان ناشناخته) در نظر بگیریم، ارزش افزوده به دست آمده در سال ۱۳۷۸ معادل خواهد بود با:

$$۵۳۳۲ \text{ میلیارد ریال} = ۱۱۰۴ \times ۱۰۳ \times ۸۳/۴$$

که با احتساب بهای محاسباتی هر دلار ۳۵۰۰ ریال در آن سال به رقم زیر بالغ می‌شود:

$$۵۳۳۲ \times ۳۵۰۰ = ۱۵۲۳ \text{ میلیون دلار}$$

تعدیل رقم آغاز در سال ۱۳۸۱ عبارت خواهد بود از^۱:

تفاوت قیمت = ۸ میلیون ریال

مصرف کل = ۲۰۲۴ تن، معادل تریاک

$$۲۰۲۴ \times ۱۰^۳ \times ۸ = ۱۶۱۹۲ \text{ میلیارد ریال}$$

ارزش افزوده برحسب دلار با احتساب هر دلار معادل ۵۵۰۰ ریال^۲

۱. آخرین آمارگیری و برآورد نگارنده (به قسمت ۴ این گزارش نیز مراجعه کنید).

۲. بر اساس روش PPP یا نرخ برابری قیمت خرید با توجه به قیمت کل (عزیزی، جعفر و زیبایی، منصور،

ارزش افزوده مصرف داخلی براساس آمار آغاز سال ۱۳۸۱ = $\frac{2}{95}$ میلیارد دلار
 = ۱۶۱۹۲:۵۵۰۰

۲-۳. اگر تفاوت قیمت در مرزهای غربی و مرزهای شرقی معادل ۶ میلیون^۱ ریال باشد و کل خروجی از کشور به ۱۲۰۰ تن (یا متوسط ۵ سال اخیر) بالغ شود داریم:

$$\text{ارزش افزوده خروجی} = 7200 \text{ میلیارد ریال} = 6 \times 10^2 \times 1200$$

و یا

ارزش افزوده خروجی در مرزهای غربی براساس محاسبات سال ۱۳۸۱ = $\frac{1}{13}$ میلیارد دلار
 = ۷۲۰۰:۵۵۰۰

۳-۳. اگر صادرات ۱۲۰۰ تن تریاک به بهای ۱۲۰ تن هروئین خالص و به بهای ۳۶۰ تن هروئین ناخالص (با درجه خلوص ۰/۳۳ باب سلیقه بازار اروپا) برسد و اگر بپذیریم که تفاوت قیمت که در سال ۱۹۹۹ معادل ۲۰۵۸۴ دلار (همان: ۳۵؛ UNODCCP: 2001) بوده به اندازه افزایش قیمت متوسط، یعنی ۵۰٪ رشد می‌کند (به قسمت ۴ گزارش مراجعه کنید) آن‌گاه تفاوت قیمت باید در حدود ۳۰ هزار دلار باشد. بنابراین داریم:

ارزش افزوده معادل تریاک صادراتی از خاک ایران = $\frac{10}{8}$ میلیارد دلار = $30000 \times 10^2 \times 360$
 ۳۶۰

(این رقم در سال ۱۹۹۹ معادل ۱۶/۹ میلیارد دلار بود).

۳-۴. به این ترتیب کل ارزش افزوده ایجاد شده عبارت است از:

۳-۴-۱. ارزش افزوده مصرف ایران با درجه خلوص ۰/۶۵ = $\frac{2}{95}$ میلیارد دلار

۳-۴-۲. ارزش افزوده خروجی از ایران با درجه خلوص ۱۰۰٪ = $\frac{1}{31}$ میلیارد دلار

۳-۴-۳. ارزش افزوده در آلمان با درجه خلوص ۹۵٪ = $\frac{10}{80}$ میلیارد دلار

جمع ارزش افزوده به طور تقریبی ۱۵ میلیارد دلار است.

این ارزش افزوده میان طیفی از حاملان و قاچاقچیان داخلی و بین‌المللی تقسیم می‌شود. می‌بینیم که سهم قاچاقچیان داخلی چندان بالا نیست، مگر آنان که با قاچاقچیان بین‌المللی در اروپا همکاری دارند. عمده‌ترین سهم به خریداران اصلی و توزیع‌کنندگان عمده در کشورهای اروپایی تعلق می‌گیرد. حاملان و توزیع‌کنندگان ترکیه‌ای، روسیه‌ای، یوگسلاوی، بلغارستان، ایتالیا و آلمان سهم‌های اصلی را نصیب خود می‌کنند. در این میان سهم پلیس‌های فاسد را نیز باید کاملاً جدی تلقی کرد.

۱. آخرین آمارگیری و برآورد نگارنده.

۳-۵. توجه داشته باشیم که قیمت تریاک ورودی به ایران بر اساس آمار سال ۱۳۸۱ معادل هر کیلوگرم ۵۰۰ دلار (هر دلار = ۵۵۰۰ ریال) است که به طور متوسط به ۱۶۴۰ دلار در کل کشور بالغ می‌شود. قابل توجه است که قیمت متوسط آسیا در زمان مورد بحث (با شروع افزایش تولید و آزاد شدن تریاک از انبارها) در حدود ۴۵۰ دلار برای هر کیلوگرم بود. سهم کشتکار افغانی از هر تن تریاک فقط ۷۵ تا ۸۰ دلار است. بنابراین از کل ارزش افزوده ۱۵ میلیارد دلاری که مربوط به تقریباً ۲۳۰۰ تن تریاک است به کمتر از ۳۰۰ میلیون دلار (برای ۲۰۰ هزار خانوار کشتکار نزدیک به ۱ میلیون شاغل کل) می‌رسد.

۴. روند قیمت‌ها

۴-۱. قیمت متوسط تریاک در سال ۱۳۷۷ (۱۹۹۸) در کل ایران از قراز کیلویی ۳/۵۷ میلیون ریال بود که از ۱/۱ میلیون ریال در زاهدان، ۴/۵ میلیون ریال در کرمان و ۱/۸ میلیون ریال در بندرعباس شروع می‌شد و به ۱/۵ میلیون ریال در تبریز می‌رسید (جدول شماره ۴). قیمت تریاک در سال ۱۳۷۹ به دلیل فشار دولت و نظارت نیروی انتظامی ایران و جلوگیری از کشت خشخاش در بسیاری از نقاط به وسیله حکومت طالبان ناگهان به طور متوسط ۵۰٪ افزایش یافت و به حدود ۵/۳ میلیون ریال رسید که مجدداً قیمت در پایان نیمه اول سال ۱۳۸۰ کاهش و به حدود ۴/۸ میلیون ریال به طور متوسط رسید. در نیمه دوم سال ۱۳۸۰، پس از واقعه یازده سپتامبر و اشغال افغانستان، قیمت ناگهان از ۵۰ تا ۱۱۰٪ (بسته به موقعیت جغرافیایی و دوری از مرزهای شرقی) افزایش یافت و به طور متوسط به ۸/۵ میلیون ریال برای هر کیلوگرم بالغ شد. از پایان سال ۸۰ و آغاز سال ۱۳۸۱ مجدداً کاهش آغاز شد و در اردیبهشت سال ۸۱ به حدود ۶/۵ میلیون ریال به طور متوسط کاهش یافته است.

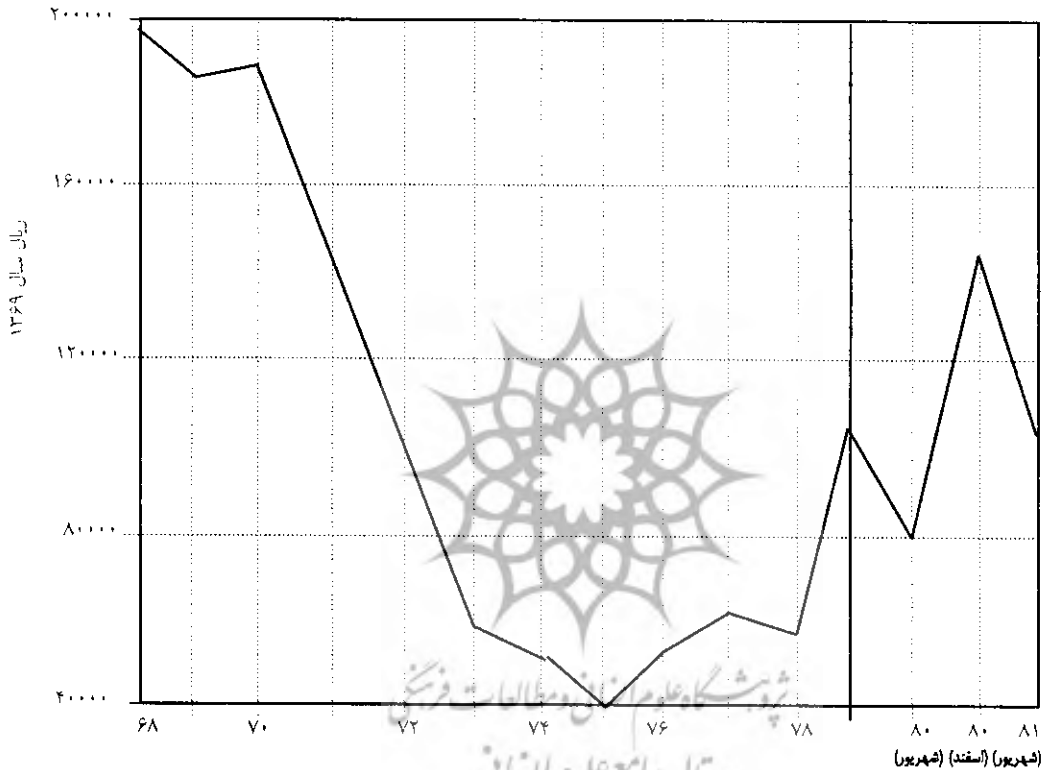
روند عمومی قیمت واقعی تریاک (پس از کسر اثر تورم) چنان‌که در نمودار شماره ۱ مشهود است، به جز افزایش نوسانی در سال‌های اخیر، رو به کاهش داشته است. نمودار شماره ۲ میزان افزایش قیمت تریاک را با میزان افزایش شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی مقایسه می‌کند (مرکز آمار ایران؛ رئیس دانا، همان).

جدول شماره ۴

مقایسه قیمت تریاک مناطق مختلف کشور در سال ۱۹۹۸ و فاصله آن‌ها تا شهر زاهدان

ردیف	نام منطقه	متوسط قیمت تریاک به (هزار ریال)	فاصله تا شهر زاهدان (کیلومتر)
۱	زاهدان	۱۱۰۰	۰
۲	مشهد	۲۴۰۰	۱۰۰۰
۳	کرمان	۱۵۰۰	۵۴۱
۴	بندرعباس	۱۸۰۰	۱۰۳۹
۵	یزد	۲۵۰۰	۹۲۸
۶	شیراز ×	۲۶۵۰	۱۳۳۸
۷	اصفهان ×	۳۲۰۰	۱۲۴۴
۸	سمنان ×	۳۸۰۰	۱۵۴۱
۹	همدان	۴۰۰۰	۱۵۶۳
۱۰	گرگان ×	۴۰۰۰	۱۷۲۳
۱۱	کرمانشاه ×	۳۶۰۰	۱۹۰۹
۱۲	سنندج ×	۳۶۰۰	۱۸۱۶
۱۳	ساری ×	۴۵۰۰	۱۶۹۴
۱۴	زنجان	۴۵۰۰	۱۹۳۵
۱۵	ارومیه ×	۳۴۰۰	۲۳۵۶
۱۶	رشت	۴۲۰۰	۱۹۲۸
۱۷	خرمشهر ×	۳۶۰۰	۱۹۷۱
۱۸	تهران	۴۰۶۰	۱۶۰۵
۱۹	تبریز	۴۵۰۰	۲۲۲۸
۲۰	بابلر	۴۲۵۰	۱۷۵۳
۲۱	بابل	۴۲۵۰	۱۷۳۳
۲۲	ایلام	۴۴۵۰	۲۰۲۲
۲۳	اهواز ×	۳۶۰۰	۱۹۰۶
۲۴	اردبیل	۵۰۰۰	۲۱۹۳
۲۵	اراک	۴۵۰۰	۱۵۳۵
-	میانگین ساده	۳۷۵۰	۱۵۸۰

× نزدیک به میانگین



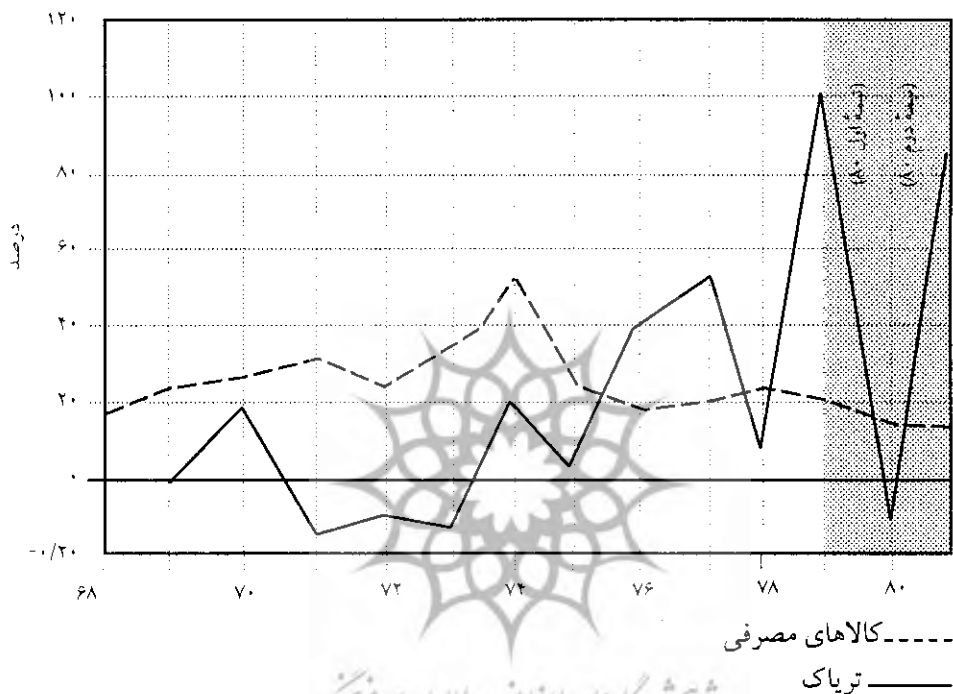
نمودار شماره ۱. بررسی روند قیمت واقعی تریاک در تهران

۲-۴. در معادله شماره ۱ رابطه رگرسیون بین قیمت تریاک در نقاط مختلف کشور و فاصله آن تا شهر زاهدان نشان داده شده است:

$$P = 77253 + 146/2D + 246.96 \text{ Dummy}$$

$$\begin{matrix} (2/7) & (7/55) & (2/68) \\ \updownarrow & \updownarrow & \updownarrow \\ R^2 = 0/82 & DW = 2/28 & F = 51/68 \end{matrix}$$

ارقام داخل پرانتز آماره t هستند. P قیمت، D فاصله و Dummy متغیر مجازی است که برای موادی که از خراسان وارد می‌شود ارزش ۱ و برای موادی که از سیستان و بلوچستان وارد می‌شود ارزش صفر دارد. آماره‌های t و f نشان از معنادار بودن ضرایب دارند. آزمون DW نیز نشان می‌دهد که عوامل اختلال جغرافیایی وجود ندارد. قیمت موادی که از خراسان وارد می‌شود به‌طور متوسط بالاتر از موادی است که از سیستان و بلوچستان وارد می‌شود.



نمودار شماره ۲. مقایسه نرخ افزایش قیمت تریاک و کالاهای مصرفی

رابطه میان شمار مددجویان (که به مراکز بازپروری سازمان بهزیستی کشور مراجعه کرده‌اند) و قیمت واقعی تریاک سالانه در معادله رگرسیون شماره ۲ زیر آمده است:

$$T = 58891 - 0.02 Yu - 0.092 Pr + 0.70 Re$$

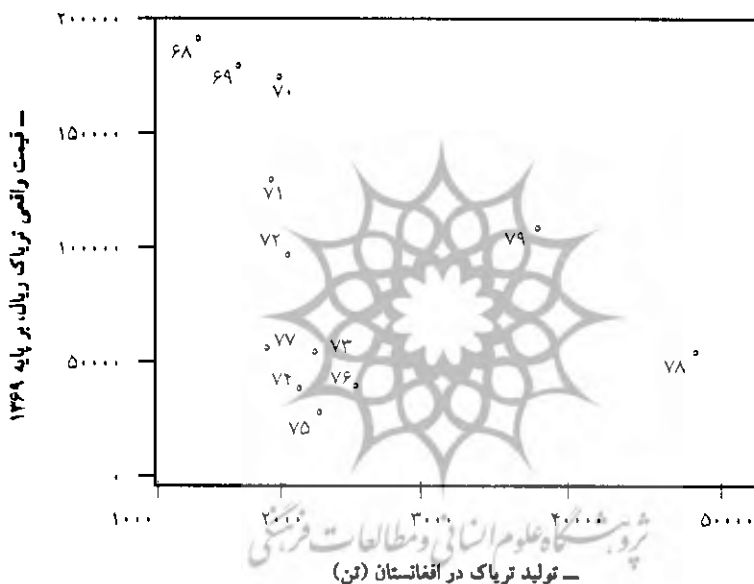
$$\begin{matrix} \updownarrow & \updownarrow & \updownarrow & \updownarrow \\ (3/25) & (-2/94) & (-3/24) & (3/29) \end{matrix}$$

$$R^2 = 0.835, DW = 2.023, F = 10.18$$

در این معادله ارقام داخل پرانتز آماره t هستند که همگی برای دوره ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۹ معنادارند. ضریب همبستگی قوی است و آماره F برای وجود بستگی و DW برای عدم اختلال جغرافیایی قابل قبول‌اند. در معادله بالا متوسط قیمت تریاک در تهران به کار رفته است، زیرا هم وضعیت متوسط دارد و هم کمبود آماری را جبران می‌کند.

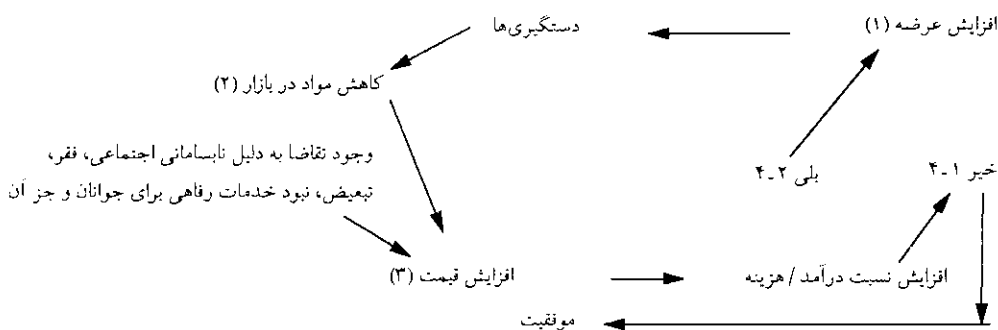
۳-۴. رابطه میان قیمت واقعی تریاک و تولید تریاک در افغانستان در فاصله سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۸ به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۹ در نمودار شماره ۳ آمده است.

چنان‌که ملاحظه می‌کنیم، این رابطه به‌طور کلی نزولی اما با شیب بسیار زیاد است. به عبارت دیگر افزایش تولید در افغانستان گویی باعث کاهش قیمت در ایران می‌شود، اما اثر این افزایش تولید بر کاهش قیمت چندان قوی نیست.



نمودار شماره ۳. رابطه میان تولید تریاک در افغانستان و قیمت واقعی تریاک

۴-۴. به‌طور کلی، الگوی عرضه مواد مخدر در ایران وجود ارتباطی را که به صورت نمودار شماره ۴ تدوین شده است به اثبات می‌رساند:



نمودار شماره ۴. رابطه عرضه مواد و قیمت و تقاضای آن در بازار غیرقانونی مواد مخدر در

ایران

به این ترتیب وقتی دستگیری‌ها افزایش می‌یابد ممکن است اثر معکوس بر عرضه مواد داشته باشد، زیرا قیمت و رابطه خطر/بازده را بالا می‌برد. به هرحال این امر می‌تواند هم‌چنین ترغیب‌گر افزایش تولید در افغانستان باشد.

۵. هزینه‌های کنترل عرضه

۵-۱. هزینه‌های سه‌گانه سیستم مبارزه با مواد مخدر بر اساس آمار سال ۱۳۷۷ (ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۷۹) در ۱۳۸۱ با توجه به سالانه ۱۷/۵٪ نرخ تورم (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۰) عبارت است از:

جدول شماره ۵

هزینه‌ها و خسارت‌های سیستم مبارزه با مواد مخدر (شامل حشیش) در سال ۱۳۸۱ (میلیارد ریال)

ردیف	هزینه	مبلغ
الف	هزینه‌ها و خسارت‌های ناشی از مبارزه فیزیکی با قاچاق مواد مخدر و اعتیاد	۱۱۵۴/۶
ب	هزینه‌های درمان، بازپروری، نگهداری معتادان و قاچاقچیان	۷۳۵/۳
ج	هزینه‌های پیشگیری از قاچاق و سوء مصرف (شامل هزینه‌های آموزشی، فرهنگی...)	۲۱۹/۴
د	افزایش هزینه‌های تجهیز نیروی انتظامی	۱۰۰
	جمع	۲۲۰۹/۳

با قبول فرض هر دلار معادل ۵۵۰۰ ریال، رقم مزبور به حدود ۴۰۰ میلیون دلار می‌رسد.

۵-۲. به‌طور متوسط بر اساس آمار، سالانه در حدود ۲۰۰ نفر از اعضای نیروی انتظامی کشور در جریان مبارزه با مواد مخدر به قتل می‌رسند. سالانه در حدود ۲۰۰ تن مواد مخدر کشف می‌شود. چیزی در حدود ۷۰۰ تا ۷۵۰ نفر از قاچاقچیان و حاملان به قتل می‌رسند یا به دار مجازات آویخته می‌شوند. این ارقام از آن‌جا که عامل اصلی مصرف مواد مخدر در کشور مسا عبارتند از فقر، بی‌عدالتی و بیکاری (یا در مورد ۱۰ تا ۲۰ درصد از معتادان متمول یا متمول بیش از حد آن هم در نبود امکانات رفاهی و خدماتی) کاملاً نامتعادل، ناپهتجار و توجیه‌ناپذیرند.

این ارقام هم‌چنین از نابسامانی‌های شدید اجتماعی حکایت دارند. هزینه‌های اجتماعی شامل معتادان، از کار افتادگان، هزینه‌های اقتصادی و از همه مهم‌تر قبول مجازات اعدام و برخورد خشونت‌بار با قربانیان از یک سو و عواملان غیرقابل کنترل از دیگر سو در کشور ما بسیار بالاست. نتایج این مقدار هزینه سنگین کاملاً غیرقابل دفاع است. مکانیزم‌های اقتصادی از تداوم تقاضا و انگیزه‌های ادامه قاجاق حکایت دارند. تا زمانی که این مکانیزم‌ها دگرگون نشوند امکان حل قطعی مسئله مواد مخدر در میهن ما وجود ندارد.

۶. نتیجه‌گیری

- شماری از نتایج به دست آمده و قابل طرح در این بررسی عبارت‌اند از:
- ۱-۶. عقب‌ماندگی و فقر، عامل اجتماعی تولید مواد مخدر در افغانستان است، زیرا تولیدکنندگان تقریباً هیچ راه‌حل دیگری برای ادامه زندگی ندارند.
 - ۲-۶. شبکه‌های قاجاق، عمده‌فروشی و حمل و نقل ده‌ها برابر ارزش افزوده‌ای که نصیب زارعان افغانستان می‌شود سود می‌برند و بنابراین در زنده نگه‌داشتن ساز و کار تولید و مصرف و قاجاق فعال هستند.
 - ۳-۶. ضرورت‌های مهارگری در جوامع سرمایه‌داری پیشرفته، به ویژه برای مهار تولید مواد مخدر جایگزین، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، شرایط تولید و انتقال به میزان معین را حفظ می‌کند و این مانع مقابله جدی با تولید و مصرف و اعتیاد در ایران و کشورهای دیگر می‌شود.
 - ۴-۶. فقر گسترده و بیکاری به ویژه در صفحات شرقی کشور شمار زیادی قاجاقچی خرده‌پا و همکار برای جابه‌جایی می‌سازد.
 - ۵-۶. جریان عبور و انبارداری در ایران در کنار عمده‌فروشی، خرده‌فروشی و مصرف به یک جریان اقتصادی مهم تبدیل شده است.
 - ۶-۶. برآوردهای مربوط به خسارت مواد مخدر در ایران برحسب روش به متوسط سالانه ۶ میلیارد دلار بالغ می‌شود.
 - ۷-۶. ارزش افزوده تریاک و مشتقات تریاک که به اروپا می‌رود با احتساب خرده‌فروشی‌ها به بیش از ۲۰ میلیارد دلار می‌رسد.
 - ۸-۶. نابسامانی‌ها و نابهنجاری‌های اجتماعی، فقدان وسایل و امکانات رفاهی برای جوانان، نبود انواع آزادی‌ها، مشکلات جنسی، رودررویی با تبعیض برای در حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد از معتادان عامل اصلی تداوم تقاضاست.
 - ۹-۶. شمار خاصی از معتادان در ایران هستند که در جهان تقریباً کم‌نظیراند، این‌ها معتادان

مرغه هستند که برای تنوع به مصرف تریاک پناه برده و معتاد شده‌اند. شمار دیگر معتادان حاشیه‌ای‌اند که معمولاً برای کسب انرژی و امکان کار کردن بیشتر (مانند رانندگان) به اعتیاد پناه می‌برند. اینان پس از چندی هزینه به مراتب سنگین‌تری را نسبت به آنچه به‌ناگزیر و از روی نیاز (یا زیاده‌خواهی اشتباه‌آمیز) زمانی به دست آورده‌اند، تحمل خواهند کرد.

۶-۱۰. به جز چند استثنا (از جمله در ۲ سال) اخیر همراه با گسترش فقر و نیاز و محرومیت‌های اجتماعی در طول ۲۰ تا ۲۵ سال اخیر قیمت واقعی مواد مخدر نیز پایین آمده است. افت قیمت در مورد هروئین بیشتر بوده است. این امر به شدت به افزایش مصرف برای جبران محرومیت و فرار از گرفتاری‌های اجتماعی و مسائل شخصیتی و روانی (آسیب‌دیدگان روحی در ایران فراوانند) کمک کرده است.

۶-۱۱. به دلایل اقتصادی و دلایل یاد شده بالا نسبت خرده‌فروش به معتاد در ایران بسیار بالاست.

۶-۱۲. می‌توان گفت در ایران $\frac{1}{8}$ میلیون نفر معتاد شناخته و ۳۰۰ هزار نفر معتاد ناشناخته وجود دارد که روی هم $\frac{3}{25}$ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. معتادان در معرض اعتیاد (در فاصله ۲ سال با احتمال متوسط ۵۰ درصد) در ایران به $\frac{1}{12}$ میلیون نفر (یا $\frac{1}{7}$ درصد از جمعیت کشور) بالغ می‌شود. از میان معتادان شناخته شده قطعی در حدود ۴۰۰ هزار تا ۵۰۰ هزار نفر معتاد به هروئین هستند (معتادان به حشیش، ماری‌جوآنا، الکل به حساب نیامده است). معتادان هروئین با سرعت بیشتری رو به افزایش‌اند.

۶-۱۳. متوسط سن اعتیاد پایین می‌آید و شیوع اعتیاد، زنان و محصلان را نیز آلوده می‌کند. ۶-۱۴. نوع و فراوانی مصرف در ایران در حال تغییر است، به این ترتیب که ضمن کاهش مصرف، شمار معتادان بالا می‌رود، زیرا معتادان به روش‌های مؤثرتر و مخاطره‌آمیزتر مصرف مواد روی می‌آورند.

۶-۱۵. وجود مواد خارجی و خطرناک در داخل مواد مخدر، آثار وخیم جانی و روحی را به شدت افزایش داده است.

۶-۱۶. فساد دستگاه انتظامی، قضایی و اداری عامل مهمی در افزایش یا ادامه روند قاچاق به‌شمار می‌آید. راه‌حل، کنترل دموکراتیک و سالم و مردمی در بالا بردن حقوق و مزایای نیروهای انتظامی ویژه نظارت و بازرسی مواد مخدر و ایجاد مکانیزم تازه‌ای برای مستقل کردن نظارت بر قاچاق است. حق کشف می‌تواند انگیزه دریافت رشوه را بالا ببرد. در این مورد افزایش حقوق مأموران همراه با افزایش نظارت ضروری است.

۶-۱۷. برنامه‌های تحقیقاتی (شامل آنچه به آموزش رسانه‌ای و صدا و سیما مربوط

می‌شود) کنترل، سختگیری‌ها و جز آن تقریباً همگی ناکارآمد و گاه بلااثر بوده‌اند.

۷. پیشنهادهای نظری و عملی

- ۱-۷. پرهیز از خرده‌کاری و دل دادن به روش‌های ناکارآمد فعلی قضایی، انتظامی، مطالعاتی، تبلیغی و پیشگیری.
- ۲-۷. فعالیت بلندمدت برای اشتغال به‌ویژه در مناطق شرقی.
- ۳-۷. نقد مدیریت‌های جاری که در واقع بی‌اثر بوده‌اند و جایگزین کردن آن‌ها با مدیریت‌های کارآمد.
- ۴-۷. فعالیت میان‌مدت برای ایجاد صندوق بین‌المللی که در مدت معین مواد را از تولیدکنندگان بخرد (گران‌تر از قیمت خرید قاچاقچیان) و به شرط جایگزین کردن کشت بهای بیشتری برای آن پردازند و پس از ۴ سال تا ۵ سال به انهدام مزارع اقدام کند.
- ۵-۷. به‌طور کلی تجهیز پلیس نظارتی مستقل و مردمی (به صورت تجهیزات نظارتی و تأمین جدید و افزایش نیروی همراه با افزایش حقوق و مزایای کارکنان نیروی انتظامی که با نظارت‌های قوی و مستقل بر کار آنان و روش‌های موازنه و بازبینی همراه باشد، ضروری است.
- ۶-۷. تربیت متخصصان عالی‌رتبه اجتماعی، اقتصادی، روان‌شناختی و انتظامی برای کار در ستاد ویژه برای سیاست‌گذاری، طراحی عملیات و جز آن باید در دستور کار قرار گیرد.
- ۷-۷. به‌طور قطع معتادان به عثوان بیماران آسیب‌دیده مورد نظر قرار گیرند و در این ارتباط برقرار کردن، فعال و کارآمد کردن مراکز بازپروری ضروری است.
- ۸-۷. مداخله‌های اقتصادی برای گران کردن بهای مواد به‌ویژه هروئین همراه با قطع رابطه‌ی انگیزه‌بخش این گرانی برای تولید، سیاستی کاملاً ضروری است که باید راهکارهای آن تدوین شود.
- ۹-۷. گسترش آزادی‌های فردی و اجتماعی برای کل جامعه، به‌ویژه جوانان و تأمین حقوق زنان عامل درونزای کنترل مصرف و گرایش به سمت مواد است.
- ۱۰-۷. لازم است به‌طور اساسی روش‌های فردی و اجتماعی برای کل جامعه، به‌ویژه صدا و سیما و برنامه‌های آن، به برنامه‌های نظارتی، پخته، علمی و دموکراتیک به منظور کاهش تقاضا، تغییر یابند.
- ۱۱-۷. حذف مجازات اعدام و به جای آن تمرکز نیرو بر کنترل تقاضا و کاهش ریشه‌ای تولید از طریق تغییر ساختار اقتصادی به‌طور جدی و قطعی پیشنهاد می‌شود.
- ۱۲-۷. لازم است برای مطالعه، برنامه‌ریزی، تغییر سازمان و کارکرد ستاد مبارزه با مواد

مخدر و توسل به روش‌های چند جانبه سیستمی که مسائل روانی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را با هم‌دیگر مورد مطالعه و ریشه‌یابی و درمان‌جویی قرار می‌دهد، برنامه‌ریزی علمی صورت گیرد.

منابع:

UNDCP. The Source of Heroin Supply to USA Since 1975, May 2000.

UNODCCP, Global Illicit Drug Trend, 2001.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، *نماگرهای اقتصادی ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۰*.
رئیس دانا، فربرز (۱۳۷۹)، *بازار غیر قانونی مواد مخدر در تهران*. دفتر پژوهش‌های فرهنگی، UNDCP، تهران.

ستاد مبارزه با مواد مخدر ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹. *گزارش آماری سال ۱۳۷۷*، اداره کل آمار و رایانه.
امیری، ابراهیم (۱۳۸۱)، *روزنامه آزاد: گزارش جان‌نشین فرمانده نیروی انتظامی درباره ورود تریاک به ایران، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۱*.

مرکز آمار ایران، *سالنامه آماری*، بخش شاخص قیمت‌ها، سال‌های مختلف.
عزیزی، جعفر و زیبایی، منصور (۱۳۸۰)، «تعیین مزیت نسبی برنج ایران»، *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال نهم، شماره ۳۳، صص ۹۶-۷۱.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۰. *نماگرها*، شماره‌های ۲۶ و ۲۷.

فربرز رئیس دانا، اقتصاددان، پژوهشگر ارشد دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، عضو سابق هیأت علمی دانشگاه لندن و دانشگاه شهید بهشتی و مؤلف ۳۱ عنوان کتاب و مقالاتی در زمینه‌های اقتصاد، اقتصاد اجتماعی، اقتصاد سیاسی است. f.raisdana@iran_transportation.com